



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 1, Issue 4, 2023

Article 9 of the Islamic Penal Code, a Meaningless Rule for Dealing with International Crimes: A Human Rights Approach

Jabar Issayan *¹, Arefe Issayan²

1. Ph.D in Public International Law, Faculty of Law, Central Tehran Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

2. M.A Student in Human Rights, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 27-40

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-8780-4383

TELL: +98833824438

Email: jabar.issayan@gmail.com

Article history:

Received: 02 Nov 2023

Revised: 10 Dec 2023

Accepted: 12 Dec 2023

Published online: 22 Dec 2023

Keywords:

Article 9 of the Islamic Penal Code, International Crimes, Universal Jurisdiction.

ABSTRACT

Article 9 of the Islamic Penal Code is of interest from two points of view. First, it can be considered as a provision to grant international jurisdiction to national courts and as a reason for prosecuting the perpetrators of international crimes inside the country, and secondly Article 9 of the Civil Code is a tool for introducing the notion of self executing international regulations in domestic legal system of Iran. In this research, it has been tried to prove by descriptive-analytical method that the said article is ineffective despite granting universal jurisdiction to national courts. Based on this, some suggestions are provided to overcome this problem. Nevertheless, this article has a more progressive approach compared to Article 9 of the Civil Law because it is out of the framework of commitment to treaty obligations and pays attention to the provisions of general international law.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Issayan, J & Issayan, A (2023). "Article 9 of the Islamic Penal Code, a Meaningless Rule for Dealing with International Crimes: A Human Rights Approach". *Journal of International Criminal Law*, 1(4): 27-40.

مقدمه

تحولات حقوق بین‌الملل به‌ویژه رشد و توسعه حقوق بشر و بشردوستانه و همچنین فجایع انسانی حاصل از بروز جنگ‌ها و منازعات داخلی کشورها موجب شده است امروزه موضوع بی‌کیفیتی مرتکبین جنایات بین‌المللی امری غیرقابل قبول تلقی گردد. نظام حقوق بین‌الملل بر آن است که با تعبیه سازوکار حمایتی متناسب با انتظار جامعه جهانی، تمام ظرفیت‌ها و تلاش خود را به منظور حمایت مؤثر و تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی فردی به کار بندد و درصدد است تا تمامی کشورها با بهره‌گیری از همکاری‌های بین‌المللی، شرایطی را فراهم آورند که ناقضان حقوق بنیادین بشر، توان گریز از حکومت قانون را نداشته باشند.

یکی از اقدامات مهمی که در این خصوص صورت گرفت، جرم‌انگاری جرایم بین‌المللی، به‌عنوان قبیح‌ترین اعمال علیه افراد انسانی و جامعه بین‌المللی، در حقوق بین‌الملل، و تشکیل برخی محاکم دائمی یا موردی بین‌المللی برای رسیدگی به این جرایم بود. از همان ابتدا، جامعه بین‌المللی از ضرورت جرم‌انگاری این جرایم در نظام‌های حقوقی داخلی نیز آگاه بود و لذا مفهوم صلاحیت جهانی باهدف توسعه صلاحیت محاکم ملی به‌منظور تعقیب و رسیدگی به اتهامات مرتکبین جرایم بین‌المللی که مطابق قواعد سنتی صلاحیت، خارج از حوزه صلاحیتی محاکم ملی قرار می‌گیرند، شکل گرفت.

کشورها مبنای صلاحیت خود را برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی را گاه بر اساس حقوق بین‌الملل معاهداتی دربرگیرنده منافع مشترک کشورها قرار می‌دهند (همکاری متقابل) و گاه بر اساس قواعد عرفی پایه‌گذاری می‌نمایند (جهان‌شمولی) و یا در نظام حقوق داخلی قوانینی را برای پیگرد و مجازات مجرمین تصویب می‌کنند (یک‌جانبه‌گرایی).

کشور ایران با رویکرد یک‌جانبه‌گرایی در طول تاریخ قانون‌گذاری خود قوانینی را وضع کرده است. آخرین اراده قانون‌گذار در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی تبلور یافته است. پرسش قابل طرح آن است که آیا ماده ۹ قانون مجازات اسلامی موجب می‌گردد که محاکم کیفری ایران شایستگی قضایی برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی و مجازات مرتکبین

داشته باشند؟ اگر پاسخ منفی است چگونه می‌توان با کمک دیگر منابع قانونی ملی و بین‌المللی این خلأ را برطرف کرد. مقاله حاضر درصدد است که ضمن تبیین مفهوم صلاحیت جهانی، نقص ماهیتی و مآلاً غیرمؤثر بودن مفاد ماده ۹ قانون مجازات اسلامی در مجازات مرتکبین جرایم بین‌المللی را تبیین نماید و سپس با بهره‌مندی از اصول حاکم بر نظام حقوقی ایران و موازین بین‌المللی و رجوع به تجربیات دیگر کشورها یک چارچوب حقوقی ملی برای اعمال مؤثر و معقول صلاحیت جهانی ارائه دهد تا ضمن احترام به حاکمیت دولت‌های دیگر و حفظ حقوق هر فرد برای پیگرد و محاکمه عادلانه به تعهدات بین‌المللی خود، برای تعقیب و مجازات شدیدترین موارد نقض حقوق بشر عمل کنند راه برون‌رفت از این وضعیت ناقص ماده ۹ قانون مجازات اسلامی را بیان نماید.

مقاله از چهار بخش تشکیل شده است: ۱- تبیین مفهوم صلاحیت جهانی؛ ۲- پیشینه قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران راجع به صلاحیت جهانی و جرایم بین‌المللی؛ ۳- تبیین ایرادات ماده ۹ قانون مجازات اسلامی؛ و ۴- ارائه راهکارهایی برای رفع ایرادات این ماده در پرتو تجربیات دیگر کشورها و اصول حاکم بر مقررات بین‌المللی.

۱- تبیین مفهوم صلاحیت جهانی

کشورها بر اساس قاعده سنتی حاکمیت مطلق معتقدند بر تمام موضوعات کیفری موجود در محدوده قلمرو سرزمینی خود دارای حاکمیت و بالطبع دارای صلاحیت می‌باشند که از آن به‌عنوان اصل سرزمینی یاد می‌کنند. اصل سرزمینی به‌عنوان اصل اساسی صلاحیت عمل می‌کند. به‌موجب نظریه صلاحیت، سرزمین جایی است که کشور در آن صلاحیت خود را اعمال می‌کند (فضائلی و ستایش‌پور، ۱۴۰۱: ۱۴۷۸) در مورد دامنه مفهومی صلاحیت، گفتنی است که صلاحیت در معنای حداکثری، به‌منزله توان قانونی نهاد یا مقام دولتی به‌منظور ادای وظایف قانونی است که برای آن شخص، اعم از حقیقی و حقوقی، تعیین شده است (فضائلی و ستایش‌پور، ۱۴۰۱، ۱۴۷۹) بنابراین دیدگاه یک کشور وقتی بر قلمروی حاکمیت دارد که هر سه سطح از صلاحیت قانونی،

در صلاحیت جهانی دولت اعمال کننده صلاحیت جهانی در واقع به نیابت از جامعه جهانی نسبت به تعقیب، محاکمه و مجازات مجرم اقدام می‌کند و به این معنی است که هر دولتی در غیاب دولت دیگر می‌تواند به صورت انفرادی (به شخصه) علیه شخص فوق‌الذکر تحقیق را آغاز کند (Reydams, 2003: 38) در واقع صلاحیت جهانی از محکومیت عمومی یک جرم معین ناشی می‌شود. هدف صلاحیت جهانی تنظیم روابط بین‌دولتی در مورد محکومیت اشخاصی است که بر اساس حقوق بین‌الملل متهم به ارتکاب جدی‌ترین جرایم می‌باشند.

این اصل نسبت به جرایم بین‌المللی متعددی اعمال می‌شود که تهدیدی علیه ارزش‌ها یا منافع مشترک جامعه بین‌المللی تلقی می‌شوند. به عبارت دیگر هر دولتی حق خود می‌داند که از این ارزش‌ها یا منافع در لوای قوانین کیفری دفاع کند از جمله دزدی دریایی، برده‌داری، تجاوز، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، نسل‌کشی، آپارتاید، شکنجه و توقیف غیرقانونی هواپیما ربابی. همه کشورها در مورد جنایات ممنوعه توسط مقررات کیفری بین‌المللی ذینفع هستند.

زمینه‌های اعمال صلاحیت جهانی در مورد جنایات جنگی هم در معاهدات بین‌المللی و هم در حقوق عرفی ارائه شده است. در هر چهار کنوانسیون ژنو راجع به حمایت از قربانیان جنگ، ۱۲ اوت ۱۹۴۹، صلاحیت جهانی برای نقض‌هایی که جدی شناخته می‌شوند، در نظر گرفته شده است. هر یک از کنوانسیون‌ها دارای مقرراتی است (به ترتیب مواد ۴۹، ۵۰، ۱۲۹ و ۱۴۶) که دولت‌ها را موظف می‌کند افرادی را که ادعا می‌شود مرتکب چنین نقض‌هایی شده‌اند تعقیب کنند و صرف‌نظر از ملیت آن‌ها، آن‌ها را به دادگاه همان کشور ارجاع دهند یا آن‌ها را استرداد کنند (ارجاع به دادگاه کشور دیگری - یک عضو کنوانسیون‌ها که دلایل معقولی برای متهم نمودن آن‌ها دارد، این اصل تعهد به استرداد یا محاکمه است) اگرچه کنوانسیون‌ها صراحتاً بیان نمی‌کنند که صلاحیت به دادگاه محل ارتکاب جرم مربوط نمی‌شود، تفسیر آن‌ها، به‌عنوان یک قاعده، وجود صلاحیت جهانی را تأیید می‌کند.

قضایی و اجرایی را داشته باشد، چنانچه دو صلاحیت قانونی و قضایی را داشته باشد، لیکن قدرت و صلاحیت اجرایی نداشته باشد بیانگر عدم حاکمیت دولت بر آن قلمرو است.

لیکن در روزگار ما فرض اینکه جرم در یک محل به وقوع پیوسته باشد و در قلمرو سرزمین دولت دیگری رسیدگی شود یا به عبارتی تابع قانون محل دیگری باشد دور از واقع نیست. این همان اصلی است که در کنار صلاحیت سرزمینی قوانین کیفری، صلاحیت برون سرزمینی قانون کیفری نام‌گرفته است. شمول قانون کیفری فراتر از مرزهای سرزمینی بر مبنای مختلفی همچون دفاع از ارزش‌ها، منافع ملی و حقوق زیان‌دیدگان از جرم استوار است. افزون بر سرزمین (محل وقوع جرم) تابعیت مجرم، تابعیت مجنی‌علیه و منافع اساسی دولت معیارهای دیگر وابستگی قلمرو می‌شوند که هر یک جرم را در کانون توجه دولت‌ها قرار می‌دهد (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۵۴-۵۵).

صلاحیت جهانی از جمله این نوع صلاحیت‌ها است. صلاحیت جهانی عبارت است از صلاحیت تجویزی در مورد جرایم ارتكابی در خارج از کشور توسط اشخاصی که در زمان ارتکاب عمل غیرقانونی مقیم و شهروند دولت درخواست‌کننده نبوده و اعمال آن‌ها تهدیدی برای دولت اعمال‌کننده این نوع صلاحیت نیست.» (O'Keefe, 2004: 745)

این نوع صلاحیت کیفری تنها بر ماهیت جرم ارتکاب یافته فارغ از هرگونه وابستگی دیگر با دولت دارای صلاحیت مانند ارتکاب در قلمرو سرزمینی آن یا ارتکاب توسط اتباعش و یا ارتکاب علیه اتباع و یا منافع آن دولت مبتنی است (الهام، و برهانی، ۱۳۹۷: ۱۲۳). مفهوم صلاحیت جهانی به دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی اجازه می‌دهد که بدون توجه به محل ارتکاب جرم، بدون توجه به تابعیت و اقامتگاه شخص بزه‌دیده، یا هر وجه ارتباطی دیگر با مقام تعقیب، شخص را تحت تعقیب قرار دهند (Sunga, 2001: 252). بر اساس اصل صلاحیت جهانی، یک دولت دارای حق است یا حتی باید در رابطه با برخی جرایم جدی، صرف‌نظر از محل وقوع جرم، و صرف‌نظر از ملیت مرتکب یا قربانی، اقدام کند (Cassese, 2001: 261).

تبدیل شده‌اند، تغییر کرده است. از این پس صلاحیت جهانی تنها بر مبنای ماهیت جنایت بین‌المللی ارتكابی، اعمال شده است.

گرایش‌هایی برای تحکیم مفهوم صلاحیت جهانی در سطح بین‌المللی را می‌توان در تعدادی از معاهدات بین‌المللی جهانی یافت. به‌عنوان مثال، در کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌کشی ۹ دسامبر ۱۹۴۸، در کنوانسیون بین‌المللی سرکوب جنایت آپارتاید ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ در کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲.

بند یک ماده ۴۱ طرح مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها مقرر می‌دارد که دولت‌ها موظف هستند برای پایان بخشیدن به هرگونه نقض جدی تعهدات ناشی از قواعد آمره توسط یک دولت، از طریق تدابیر قانونی با یکدیگر همکاری کنند. به‌این ترتیب کشورهای ثالث نیز می‌توانند مجرمین بین‌المللی منتسب به دولت‌ها را تحت تعقیب قرار دهند.

در دعوای مربوط به حکم دستگیری ۱۱ آوریل ۲۰۰۰، بین جمهوری دموکراتیک کنگو و بلژیک نظر خاص قضات دیوان بین‌المللی دادگستری حاکی از آن است که صلاحیت جهانی خصلت یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل را داشته و در عین حال در چندین کنوانسیون گنجانده شده است (Arrest Warrant Case, 2000). برآیند حاصل از مفاهیم اسناد بین‌المللی فوق حکایت از آن دارد که نادیده گرفتن اصل صلاحیت جهانی منتهی به نفی عدالت در مورد جنایت‌کارترین مجرمین می‌شود. موازین بین‌المللی کشورها را قادر می‌سازند تا در جهت حفظ منافع جهانی با صلاحدید خود با اعمال صلاحیت جهانی در مورد جنایات فاحش که نقض جدی حقوق بشر و بشردوستانه تلقی می‌شوند استفاده کنند

۲- پیشینه قانون‌گذاری راجع به صلاحیت جهانی در ایران

اولین سابقه قانون‌گذاری راجع به صلاحیت جهانی در نظام حقوقی کشور ایران مربوط به اصلاحیه قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲/۳/۷ است. در بند "و" ماده ۳ این قانون مقرر گردیده است «در مورد جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی مرتکب در هر کشور که به دست آید باید محاکمه شود، اگر مرتکب در ایران دستگیر شود، طبق قوانین ایران محاکمه و

به‌این ترتیب، کنوانسیون‌ها یکی از اولین نمونه‌های تجسم صلاحیت جهانی در حقوق معاهدات هستند. کنوانسیون‌های ژنو تعهد به صلاحیت جهانی را فراهم می‌کنند، به این معنی که آن‌ها دولت‌ها را موظف می‌کنند که افراد مظنون به ارتکاب جرایم جدی را تحت تعقیب قرار دهند یا اقدام مناسب با استرداد را اتخاذ نمایند در صورتی که کشورها می‌توانند تحقیقات یا تعقیب افرادی در خارج از قلمرو خود را آغاز کنند.

دیگر معاهدات در قلمرو حقوق بشردوستانه بین‌المللی (IHL) مانند کنوانسیون لاهه در مورد حمایت از اموال فرهنگی در زمان منازعات مسلحانه ۱۹۵۴ و پروتکل دوم آن، تعهد مشابهی را برای دولت‌های عضو برای توقف نقض‌های جدی بر اساس اصل صلاحیت جهانی مقرر می‌دارد.

از آنجاکه مقررات مربوط به معاهدات حقوق بشردوستانه فقط نقض‌های جدی را در برمی‌گیرد، صلاحیت جهانی در حقوق بشردوستانه عرفی به همه موارد نقض مقررات و عرف‌های (آداب‌ورسوم) مربوط به جنگ گسترش یافته است. این موارد، شامل برخی نقض‌های جدی مربوط به قوانین قابل اجرا در متن درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی می‌گردد (از جمله ماده ۳، مشترک در هر چهار کنوانسیون ژنو، و پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷) (Hall, 2006, 91). علاوه بر آن اقدامات دادگاه‌های بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواند آشکار ساخت که انجام تحقیقات و پیگرد بین‌المللی ناقضان جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممکن و قابل تحقق است این تحولات نیروی جدید به اصل صلاحیت جهانی بخشید و کشورهای مختلف را تشویق کرد که افراد را به دلیل نقض فاحش مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی تحت پیگرد قانونی قرار دهند (Uche Nnawulezi, 2022: 709).

اسناد حقوقی دیگری وجود دارد که می‌توانند یا باید به‌عنوان منابع تثبیت مفهوم صلاحیت جهانی در سطوح بین‌المللی و ملی در نظر گرفته شوند (در صورت اجرایی شدن). در سال ۱۹۳۱، مؤسسه حقوق بین‌الملل در قطعنامه خود (ماده ۵) درک صلاحیت جهانی را تصدیق نمود. با این حال درک مدرن از صلاحیت جهانی با توجه به ظهور مفاهیم erga omnes و jus cogens که به بخشی از حقوق بین‌الملل موضوعه

مذکور صورت گرفته اما متأسفانه هیچ‌یک از اقدامات به نتیجه مطلوب منجر نگردیده است. اولین اقدام ارائه طرح "نحوه رسیدگی به شکایات نسل‌کشی و ضد بشریت و تعدیات ناشی از نژادپرستی" بود که با پیشنهاد ۲۵ نماینده در سال ۱۳۸۰ در دستور کار مجلس قرار گرفت در تاریخ ۱۳۸۱/۱/۲۷ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس و در تاریخ ۱۳۸۱/۲/۲۹ با حذف موادی که مربوط به جنایات جنگی بود به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. مصوبه مزبور شامل اعمال صلاحیت جهانی در جنایات نسل‌کشی، جنایات ضد بشریت می‌گردید، اما نتوانست فرایند لازم‌الاجرا شدن خود را به دلیل ایرادهای شورای نگهبان کامل کند. در نتیجه، طرح مجدداً به مجلس ارجاع داده شد و به دلیل اصرار مجلس، موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح گردید. مجمع تشخیص مصلحت نیز بر این نظر بود که به دلیل ناقص و مبهم بودن طرح، لازم است قوه قضاییه لایحه‌ای در این خصوص تهیه کند.

اقدام مهم دیگر ایران درباره صلاحیت جهانی تصویب قانون "الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین" در ۱۳۸۷/۱۰/۱۱ در مجلس شورای اسلامی می‌باشد. مطابق ماده ۳ این قانون، «بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل، جنایات انجام‌شده در غزه، از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی است. دولت موظف است از طریق مجامع بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد، موضوع محاکمه سران رژیم اشغالگر قدس را در دادگاه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) و محاکم داخلی کشور به‌عنوان جنایتکار علیه بشریت و عاملان نسل‌کشی پیگیری نماید». در این قانون فقط مصادیقی از جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی ارائه شده است و تعریفی از جرایم مزبور به عمل نیامده است. در مطالب آتی به قانون فوق اشاراتی خواهیم داشت.

۴- تحلیل ماده ۹ قانون مجازات اسلامی

ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ چنین مقرر می‌دارد: «مرتکب جرایمی که به‌موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد».

مجازات می‌شود». در بند "ه" ماده ۳ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۷/۲۱ مجلس شورای اسلامی مقرر شد که با اندک تفاوتی تصویب گردید. البته کلمه الزام‌آور "باید" را از قانون حذف کرد و جنبه اختیاری به آن داد. پس‌از آن در ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ تغییرات انشایی قانون سال ۱۳۶۱ کنار گذاشته شد و دقیقاً بند "و" ماده ۳ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ تکرار گردید. آخرین اراده قانون‌گذار در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی بیان شده که واجد تحول و ارتقاء می‌باشد لیکن در مطالب آینده خواهیم گفت مقررات فوق به‌طور عام و ماده مزبور باوجود ارتقاء مفهومی اثر عملی در مجازات مرتکبین جرایم موضوع ماده مزبور نخواهد داشت. ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مقرر می‌دارد «مرتکب جرایمی که به‌موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد».

قانون‌گذار ایرانی در مواد ۳ تا ۹ قانون مجازات اسلامی زیر عنوان قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان عرصه حکومت قوانین کیفری یا به عبارتی انواع صلاحیت را قانون‌گذاری کرده است. در مواد ۳ و ۴ صلاحیت سرزمینی، در ماده ۵ صلاحیت واقعی، در ماده ۷ صلاحیت شخصی، در ماده ۸ صلاحیت شخصی منفعل و در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی صلاحیت جهانی را شناسایی نموده است. مواد ۵ تا ۸ بیانگر اراده قانون‌گذار ایرانی بر اعمال مقررات جزایی ایران بر اعمال مجرمانه خارج از سرزمین ایران است که به صلاحیت فرا سرزمینی تعبیر می‌گردد. جرایم موضوع این مواد به علائق و منافع دولت ایران مربوط می‌شود لیکن در ماده ۹ مزبور جرایمی مطرح است که به منافع جامعه جهانی ربط دارد و به‌طور خاص کشور ایران را درگیر نمی‌نماید لیکن بر اساس اصل صلاحیت جهانی محاکم ایران صلاحیت رسیدگی به آن‌ها را دارند.

۳- پیشینه جرم‌انگاری جرایم بین‌المللی در ایران

سابقه جرم‌انگاری راجع به جرایم بین‌المللی در ایران به سال ۱۳۸۰ بازمی‌گردد. تلاش‌هایی در جهت جرم‌انگاری جرایم

ارتکاب جرمی در خارج از قلمرو سرزمینی دولت جمهوری اسلامی ایران ضرری خاص به دولت ایران وارد نشود و جامعه جهانی نیز متضرر نگردد به عبارتی جرم عادی باشد مشمول ماده ۹ قانون مجازات اسلامی نمی‌گردد. با همین دیدگاه می‌توان گفت جرایم موضوع ماده ۹ از آن‌چنان اهمیتی برخوردارند که نظام حقوق کیفری ایران و نظام کیفری بین‌المللی اعطای صلاحیت جهانی به دادگاه‌های ملی را پذیرفته‌اند تا در هیچ جای جهان قلمروی امن برای آن‌ها وجود نداشته باشد؛ در نتیجه جرایم مزبور نمی‌توانند از جرایم عادی باشند.

با توجه به قیود برشمرده شده محرز است که بر اساس ماده ۹ قانون مجازات اسلامی این جرایم باید به‌موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی و مقررات بین‌المللی مشخص شده باشند. در این ماده قانون‌گذار ایرانی رکن قانونی جرم را حداقل در تعیین رفتاری به‌عنوان فعل مجرمانه، نه توأم با تعیین مجازات، در صلاحیت منابع مزبور قرار داده است.

با استمداد از ماده ۹ قانون مدنی می‌توان گفت که منظور قانون‌گذار از قانون خاص، قوانین مربوط به تصویب الحاق ایران به برخی معاهدات بین‌المللی است که چنانچه بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و دول دیگر منعقد شده باشد در حکم قانون است و همچنین برخی قوانین داخلی است که شرط محاکمه متهم را دستگیری وی در ایران مقرر نموده‌اند. کشور ایران در ۱۳۴۴/۹/۳ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیز از تصویب کرده است و مطابق ماده ۹ قانون مدنی مفاد آن‌ها ضمن اینکه عهدنامه‌ای بین‌المللی است در حکم قانون داخلی است. ماده ۳۰ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸/۵/۱ از جمله قوانین خاص می‌تواند باشد.

نکته قابل‌توجه در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی که تحولی مطلوب در نظام حقوقی ایران محسوب می‌شود به‌کار بردن عبارت «مقررات بین‌المللی» است. تا سال ۱۳۹۲ در نظام حقوقی ایران اعم از قانون اساسی و قوانین عادی سخنی از نحوه پذیرش یا ورود مقررات حقوق بین‌الملل عام به میان نیامده است. با اصلاح قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ تحول مهمی در رویکرد نظام حقوقی ایران نسبت به قواعد

علاوه بر ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مواد مشابهی در سایر قوانین وجود دارد که بیش از آنکه معطوف به صلاحیت جهانی باشد، به صلاحیت فرا سرزمینی توجه دارد. ماده ۳۱۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ مقرر می‌دارد «به اتهامات اشخاصی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می‌شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آن‌ها را دارند، چنانچه از اتباع ایران باشند، حسب مورد در دادگاه محل دستگیری و چنانچه از اتباع بیگانه باشند حسب مورد، در دادگاه تهران رسیدگی می‌شود». این ماده به‌صورت عام‌المشمول (از حیث جرایم) با فراز ابتدایی ماده ۵ قانون مجازات اسلامی انطباق دارد.

ماده ۵۹۸ قانون آئین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیک ۱۳۹۳ صلاحیت رسیدگی به اتهام نظامیان در موارد فوق را منوط به آنکه در صلاحیت دادگاه‌های ایران باشد به دادرسی و دادگاه نظامی تهران اختصاص داده است. ماده ۶۶۴ (بند پ) قانون آئین دادرسی کیفری جرایم رایانه‌ای رسیدگی به جرایم موضوع ماده مزبور را که توسط تبعه ایران یا غیر آن در خارج از ایران واقع شده باشد را بدون ذکر دادگاه خاصی در صلاحیت دادگاه‌های ایران اعلام داشته است.

صلاحیت‌های کیفری توسعه‌یافته موضوع مقررات فوق صرفاً دربرگیرنده تمامی جرایمی است که به‌موجب قوانین خاص داخلی در قلمرو صلاحیت فرا سرزمینی ایران می‌باشند و ناظر به جرایم موضوع عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی نمی‌گردند. درواقع مقررات فوق موجب می‌گردند که دادگاه‌های ایران بر مبنای صلاحیت واقعی شایستگی رسیدگی به جرایمی را داشته باشند که در حوزه قضایی آن‌ها واقع نگردیده است و قانون‌گذار یک نوع صلاحیت فوق‌العاده یا اختصاصی برای آن‌ها ایجاد می‌نماید. علاوه بر آن در رسیدگی و مجازات مرتکبین جرایم موضوع مواد مزبور نفعی به‌صورت خاص عاید دولت یا کشور ایران می‌گردد و این نفع را به‌صورت یک‌جانبه با وضع قوانین داخلی یا انعقاد معاهدات بین‌المللی تضمین نموده است. اما عواید پیگرد و مجازات مرتکبین جرایم موضوع ماده ۹ قانون مزبور به جامعه جهانی می‌رسد و دولت ایران نیز در شمول بهره‌مندان قرار می‌گیرد. بنابراین اگر از

است و هم‌زمان یا بعدازآن اظهارنظر، فردی در ایران همان رفتار را مرتکب گردد، مکلف است که طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران آن شخص را تحت تعقیب قرار دهد.

برخی نویسندگان معتقدند از فحوای کلام قانون‌گذار چنین می‌توان دریافت که حکم این ماده شامل آن دسته از جرایمی است که برون از کشور به وقوع پیوسته، خواه در قلمرو حاکمیت دولت دیگر، خواه درجایی که هیچ حاکمیتی مستقر نیست و جرایم ارتكابی در ایران را شامل نمی‌گردد (اردبیلی ۱۳۸۸: ۵۹). به نظر می‌رسد اطلاق صدر ماده مانع از این نیست اگر فرد در ایران مرتکب چنین جنایاتی شده باشد رسیدگی به اتهام وی در صلاحیت محاکم ایران باشد زیرا بر اساس مفاد ماده مزبور محل وقوع جرم توسط قوانین خاص، عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی تعیین می‌گردد. منطقی به نظر نمی‌رسد محاکم ایران از منابع مزبور برای رسیدگی و محاکمه متهم به تبع دستگیری وی در ایران تبعیت نمایند. از تعیین صلاحیت بر اساس محل وقوع جرم تبعیت نمایند. هرچند می‌توان مقررات این ماده را با مقررات بند ب ماده ۱۱۶ قانون آئین دادرسی کیفری منطبق نمود و با توجه به اطلاق این بند حوزه‌های قضایی محل وقوع جرم را اعم از قلمرو قضایی ایران و سایر کشورها در نظر گرفت.

شرط دیگر مقرر در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی دستگیری مرتکب در ایران است. محدود کردن صلاحیت جهانی دادگاه‌های ایران به دستگیری مرتکب در ایران برخلاف اهمیت این جرایم و رویکرد جامعه بین‌المللی در خصوص ضرورت برخورد با مرتکبین این جرایم است زیرا برخی مناطق، به‌ویژه مناطق دریایی وجود دارد که جزء مناطق آزاد و بین‌المللی می‌باشند که در محدوده صلاحیت هیچ کشوری نمی‌باشند. بنابراین ممکن است مجرمی در مناطق مزبور توسط مأمورین ایران دستگیر شود و به داخل کشور هدایت شود با توجه به قسمت اخیر ماده ۹ قانون مجازات اسلامی امکان رسیدگی به جرایم فرد و مجازات وی بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد. رسیدگی به چنین جرایمی باید بدون در نظر گرفتن محل ارتکاب جرم و محل دستگیری مرتکب صورت گیرد.

حقوق بین‌الملل عام صورت گرفت (سلیمی و عیسایان، ۱۴۰۱: ۷۱). در قانون قدیم صرفاً قانون خاص یا عهدنامه ذکر شده بود، درحالی‌که در قانون جدید مقررات بین‌المللی اضافه شده که منظور از آن کلیه قواعد حقوق بین‌الملل عام است. این ماده که دلالت بر اجرای مستقیم تعهدات بین‌المللی و اعمال نظریه یگانگی و شیوه خود اجرای^۱ی دارد، به‌نظر می‌رسد نگرانی که در مورد امکان اجرای قواعد عرفی بین‌المللی در قوانین وجود داشته را منعکس می‌کند به همین خاطر عبارت مقررات را به‌صورت عام به‌کاربرده است تا عدم اعتبار قواعد عرفی را منتفی سازد (شاملو، ۱۳۹۷: ۵۶). این ماده شامل کلیه تعهدات غیر معاهداتی اعم از الزامات ناشی از قواعد آمره و حقوق بین‌الملل عرفی می‌گردد که بنابه تعبیر دیوان بین‌المللی دادگستری تمامی جامعه جهانی در قبال آن مسؤولیت دارند. حال با توجه به آنکه ماده ۹ قانون مجازات اسلامی در اعمال صلاحیت جهانی اجرای مقررات عرفی بین‌المللی را شناسایی کرده است در این صورت به‌نظر می‌رسد شناسایی قواعد عرفی به خود قضات واگذار شده است (شاملو، ۱۳۹۷: ۵۶).

به‌کاربردن عبارت «مقررات بین‌المللی»، برخلاف ماده ۹ قانون مدنی، شرط تصویب مجلس شورای اسلامی را به صورت تلویحی از میان برداشته است زیرا اصطلاحات به‌کاربرده شده در اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی و همچنین ماده ۹ قانون مدنی تأییدکننده این است که مقررات مزبور صرفاً تعهدات معاهداتی را در برمی‌گیرد. با این تفسیر اگر فردی اعم از آنکه ایرانی یا غیر ایرانی، در هر نقطه‌ای از جهان اعم از اینکه در چارچوب صلاحیت سرزمینی کشورهای دیگر باشد یا آنکه در مناطق آزاد یا بین‌المللی قرار گرفته باشد رفتاری را مرتکب گردد که بر اساس مقررات حقوق بشری یا بشردوستانه بین‌المللی جرم تلقی شود دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آن را دارند. نکته ظریفی که در لابه لای عبارات این ماده نهفته آن است که اگر دولت ایران مدعی گردد که رفتار ارتكابی برخی از اشخاص در خارج از قلمرو صلاحیت سرزمینی دادگاه‌های ایران جرم علیه بشریت

^۱ - Self-executing

با فرض پذیرش جرم‌انگاری توسط مقررات بین‌المللی وارد رسیدگی شود لیکن با خلأ قانون واجد مجازات برای چنین مجرمینی برخورد می‌نماید. در چنین وضعیتی توجهاً به اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت اصل برائت، موضوع اصل ۳۷ همان قانون و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها نتیجه دادرسی جز صدور حکم به برائت متهم نمی‌تواند باشد.

سؤالی که پیش می‌آید راجع به رفتارهایی است که در مقررات بین‌المللی جرم محسوب گردیده و برای آن‌ها مجازات نیز پیش‌بینی شده است اما در قوانین ایران کیفری مجازاتی تعیین نشده است. آیا دادگاه‌های ایران می‌توانند بر اساس مقررات بین‌المللی فرد را مجازات نمایند؟

در مباحث آتی در پرتو تجربیات دیگر کشورها و اصول حاکم بر مقررات بین‌المللی و اصول کلی حقوقی حاکم بر نظام حقوق کیفری برای نیل به هدف غایی نظام کیفری بین‌المللی که ممانعت از بی‌کیفرانی مجرمین بین‌المللی می‌باشد راهکارهایی پیشنهاد می‌گردد.

۵- رعایت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها

یکی از موضوعات کلیدی در تحلیل سازگاری صلاحیت جهانی راجع به جرایم بین‌المللی رعایت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و یا کلی‌تر از آن رعایت اصل حاکمیت قانون است. اعمال صلاحیت جهانی در مورد جرایم بین‌المللی مستلزم این است که مقامات داخلی قوانین کیفری قابل اجرا را تعیین کنند، تا در موضوعات مطروحه راجع به جنایات بین‌المللی بتوانند به تعاریف مربوط به اعمال مورد بحث، استناد کنند. والا علی‌رغم آنچه در حقوق بین‌الملل گفته می‌شود، (۱) اگر جرایم بین‌المللی مورد تأکید در قوانین داخلی گنجانده و تعریف نشده باشد؛ (۲) اگر مجازات مربوطه مقرر نشده باشد؛ و (۳) اگر یک قانون داخلی صریحاً صلاحیت جهانی جرم را پیش‌بینی نکرده باشد، چون در غیاب این سه عنصر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها بسیار بحث برانگیز می‌شود. در این صورت قضات ملی تمایلی به اعمال صلاحیت جهانی ندارند (Thalman, 2107: 184). ماده ۹

حتی می‌توان گفت علاوه بر مورد فوق از حیث محل دستگیری مصادیقی وجود دارد که ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مانع رسیدگی دادگاه‌های ایران به این جرایم می‌گردد؛ مثلاً اگر مجرمی در کشوری به اتهام جرایم علیه بشریت دستگیر شود و آن کشور مایل یا قادر به رسیدگی نباشد یا اینکه بنا به دلائلی دادگاه‌های ایران را واجد اولویت تشخیص دهد و مرتکب را تحویل مقامات ایرانی دهد محاکم ایران صلاحیت رسیدگی به اتهامات وی را ندارند زیرا برخلاف فراز اخیر ماده ۹ قانون مجازات اسلامی در ایران دستگیر نشده است.

قسمت اخیر ماده ۹ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد «طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد». برآیند حاصل از ظاهر این فراز از ماده آن است که قانون‌گذار مجرم را الف) مشمول مقررات آئین دادرسی کیفری و ب) قوانین ماهوی جزایی ایران می‌داند.

راجع به شمول قوانین آئین دادرسی کیفری بر نحوه تعقیب و محاکمه مجرم شکی نیست، لیکن آیا آئین دادرسی کیفری که برای رسیدگی به جرایم عادی مقرر شده است، برای تعقیب و محاکمه مرتکبین جرایم بین‌المللی کفایت می‌نماید. شمول قوانین جزایی ماهوی ایران بر رفتارهای مجرمانه مورد نظر نیز قابل تأمل و یا تفسیر و تبیین است؛ زیرا وقتی قانون‌گذار در فراز پیشین ماده اعلام می‌دارد که مرتکب جرایمی که به موجب مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شوند در همان کشور محاکمه می‌شوند، بیانگر آن است که جرایم مزبور از قبل توسط مقررات بین‌المللی مشخص گردیده‌اند، اما ممکن است در همان منابع برای آن‌ها مجازات تعیین گردیده باشد یا پیش‌بینی نشده باشد. پس جرم‌انگاری توسط مقررات بین‌المللی صورت گرفته است، در این صورت قاضی نمی‌تواند به بهانه اینکه در قوانین مملکتی رفتار ارتكابی به‌عنوان جرم تلقی نشده است از رسیدگی به اتهام استنکاف نماید. لیکن صرف تعیین عنوان مجرمانه برای محاکمه و مجازات مرتکب رفتاری، کفایت نمی‌کند بلکه باید مجازات نیز برای آن تعیین شده باشد (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی). در رسیدگی به این‌گونه اتهامات قاضی ممکن است

قانون مجازات اسلامی صرفاً عنصر اخیر را در بر دارد و فاقد دو عنصر دیگر است.

تأکید بر تعریف جرایم و تعیین مجازات در نظام حقوق داخلی به لحاظ تبعیت از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است. در زمینه حقوق جزا، اصل قانونی بودن به‌طور کلی معادل اصل *nullum crimen/nulla poena sine lege* (عملی جرم نیست مگر به‌موجب قانون) تلقی می‌شود که بر اساس آن هیچ جرم یا مجازاتی بدون منای قانونی نمی‌تواند وجود داشته باشد (Gallant, 2009: 25). با این حال، به‌طور گسترده‌تر، این قاعده بخشی از الزامات عمومی اصل حاکمیت قانون است که بر اساس آن «قواعد کلی آیین دادرسی» و همچنین قوانین مربوط به تأسیس و صلاحیت ارگان‌های قضایی نیز باید توسط قانون وضع شود (Thalman, 2107: 192).

اصل قانونی بودن یک مفهوم اساسی در حقوق کیفری است که هم در اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم به‌طور گسترده در قوانین داخلی به رسمیت شناخته شده است. این نشان‌دهنده این ایده است که یک فرد فقط باید برای اعمالی محکوم و مجازات شود که طبق قانون قابل اجرا در زمان انجام این رفتار جرم محسوب می‌شده است. همچنین مستلزم آن است که قانون به اندازه کافی شفاف و دقیق باشد تا افراد از قبل بدانند که آیا رفتار آن‌ها در زمان ارتکاب مجرمانه است یا خیر و این رفتار چه پیامدهای قانونی دارد (Cassese et al, 2011: 53). اهداف این اصل عمدتاً محافظت از افراد در برابر خودسری مأمورین دولتی و تضمین انصاف در قوانین کیفری است.

اصل اساسی قانونی بودن در تمام اسناد حقوق بشر تأیید شده است. طبق ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی «هیچ‌کس را نمی‌توان به دلیل فعل یا ترک فعلی که در زمان ارتکاب، بر اساس قوانین ملی یا بین‌المللی، جرم محسوب نمی‌شده، مجرم شناخت، همچنین نباید مجازاتی سنگین‌تر از مجازاتی که در زمان ارتکاب جرم قابل اجرا بوده، تعیین نمود». اگر بعد از ارتکاب جرم، مجازات خفیف‌تری در قانون پیش‌بینی شود، مرتکب از آن منتفع می‌شود. مطابق ماده ۲۲ اساسنامه دیوان

صراحتاً اصل قانونی بودن جرایم پذیرفته شده و تصریح شده است که هیچ‌کس به‌موجب این اساسنامه مسؤولیت کیفری نخواهد داشت، مگر اینکه در زمان ارتکاب فعل موردنظر به‌عنوان یک جرم تحت صلاحیت دیوان تعریف شده باشد. بنابراین باید ماده یا مواد قانونی مربوط به جرم‌انگاری این عمل مجرمانه را مورد مطالعه قرار داد. از سوی دیگر، در دیوان، احراز مجرمیت و محکومیت شخص به ارتکاب جرم متمایز از مرحله تعیین مجازات و محکومیت به تحمل مجازات است، مطابق اصل قانونی بودن، جرم‌انگاری لازمه هرگونه تعقیب کیفری است (سلیمی، ۱۴۰۰: ۱۲).

همان‌طوری که در پیشینه جرم‌انگاری جرایم بین‌المللی تبیین گردید و توجه موازین بین‌المللی معاهداتی و عرفی حقوق بین‌الملل مؤید آن است، درحالی‌که یکی از پیچیده‌ترین جنایات، جنایات علیه بشریت و مصادیق آن است، در حال حاضر هیچ تعریفی از جرایم بین‌المللی در قوانین داخلی وجود ندارد. در قوانین داخلی ایران شکنجه، تجاوز به عنف، قتل و برخی جرایم مربوط به نظامیان جرم‌انگاری شده ولی هیچ کدام از این‌ها با تعریف به‌عمل آمده از جنایات علیه بشریت یا جنایات جنگی سازگاری ندارد. در قانون الزام دولت به حمایت از مردم مظلوم فلسطین نیز قانون‌گذار صرفاً اعلام داشته جنایات انجام‌شده در غزه بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل، نه قواعد داخلی، مصادیق بارز از جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی می‌باشند. یعنی خود تعریفی از جنایات مزبور ندارد. لذا مشکل اصلی، فقدان قوانین ماهوی است. بنابراین، لازم است جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و نسل‌کشی تعریف گردند. علاوه بر آن، تعریف یک جرم در قانون صرفاً نقش راهنما را برای وکلا و قضات ایفا می‌کند. قانون‌گذار ایرانی باید مجازات جرم تعریف‌شده را نیز تعیین نماید تا قضات با تطبیق رفتار ارتكابی با تعریف مقرر در قانون نتیجه گیرند که عنصر مادی رفتار ارتكابی با عنصر قانونی آن انطباق دارد یا خیر.

دیگر آنکه «قواعد کلی آیین دادرسی» و همچنین قوانین مربوط به تأسیس و صلاحیت ارگان‌های قضایی نیز باید توسط قانون مشخص شود. هرچند ماده ۹ قانون مجازات

مطرح شده است که آیا در صورت عدم وجود مقررات داخلی، می‌توان شخص را مستقیماً بر اساس حقوق بین‌الملل برای ارتکاب یک جنایت بین‌المللی محکوم کرد، که در این وضعیت برخی دادگاه‌های داخلی علیرغم فقدان قوانین داخلی که جنایات بین‌المللی را جرم‌انگاری کنند به منظور اجتناب از این مصونیت (بی‌کیفرمانی) مرتکبان نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، شکنجه و جنایات‌های جنگی را محکوم کرده‌اند (یا تلاش کرده‌اند - زیرا احکام آن‌ها در دادگاه تجدیدنظر نقض شده است) اینان از مبانی قضایی دیگری غیر از صلاحیت جهانی استفاده می‌کنند. با این حال، این موضوع در چارچوب صلاحیت جهانی ابعاد خاصی پیدا می‌کند، زیرا برخلاف سایر مبانی قضایی سنتی، صلاحیت جهانی عموماً در جرایم عادی قابل اعمال نیست. در تعدادی از پرونده‌ها، که دادگاه‌ها از مبانی صلاحیت سنتی استفاده کرده‌اند، مجرمین را تحت عنوان ارتکاب جرایم عادی مانند قتل یا تجاوز تحت تعقیب قرار داده‌اند. در نتیجه، مجرمین در این محدوده بدون مجازات باقی نمانده‌اند اما مجازات مرتکب برای ارتکاب جرم بین‌المللی موضوع صلاحیت جهانی متفاوت است (Thalman, 2017: 184).

برخی معتقدند با توجه به ماهیت جرم (جنایات بین‌المللی) که موضوع مستقیم مقررات معاهدات بین‌المللی، حقوق بین‌الملل عرفی یا قواعد آمره می‌باشند، حتی زمانی که قوانین ملی آن‌ها به‌طور خاص آن را پیش‌بینی نکرده است، می‌توان بر اساس صلاحیت جهانی مستقیماً بر اساس حقوق بین‌الملل متهمین را تحت تعقیب و مجازات قرار داد.

برخی منابع بین‌المللی چنین وضعیتی را پیش‌بینی کرده و کشورهای عضو را متعهد نموده که بر اساس مقررات بین‌المللی فرد را تحت تعقیب قرار دهند. از جمله این منابع کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. در فراز مقدم ماده ۱۵ کنوانسیون مزبور مقرر شده است که «۱- هیچ‌کس را نباید به‌واسطه انجام عملی و یا ترک آن که بنابر قوانین ملی و یا بین‌المللی جرم نبوده است مجازات کرد». مفهوم حاصل از منطوق ماده مزبور آن است که در برخی شرایط، ممکن است یک فرد به دلیل عملی که در زمان ارتکاب آن بر اساس

اسلامی صلاحیت محاکم ایران را به‌طور کلی پذیرفته است لیکن از حیث محلی و نسبی دادگاه صالح را مشخص نکرده است. روش همکاری و هماهنگی با کشورهای دیگر که ممکن است از وقوع جرم بین‌المللی متضرر شده باشند مشخص نیست و بسیاری ابعاد پیچیده دیگر که مربوط به ماهیت جرایم بین‌المللی است. بنابراین به نظر می‌رسد ضرورت دارد علاوه بر تصویب قانون ماهوی، قانون مربوط به آیین دادرسی و تأسیس و صلاحیت محاکم کیفری رسیدگی‌کننده به این جرایم نیز وضع شود.

۶- اعمال مستقیم حقوق کیفری بین‌المللی توسط دادگاه‌های داخلی

اگر قانون‌گذار به هر دلیلی مایل به تعریف جرایم بین‌المللی نگردد، باید به دنبال راهکار قضایی بود. چون موضوع ماده ۹ قانون مجازات اسلامی تعقیب و مجازات مجرمین بین‌المللی است که هدف غایی این اقدامات اجرای عدالت کیفری است. راهکار قضایی، اعمال مستقیم حقوق کیفری بین‌المللی توسط دادگاه‌های داخلی است.

این موضوع بستگی به رابطه حقوق بین‌الملل و حقوق ملی و نحوه اجرای حقوق کیفری بین‌المللی در سطح ملی دارد. با توجه به مفهومی که از رابطه بین حقوق بین‌الملل و حقوق ملی دارد، در قوانین داخلی خود اجرا می‌شود در حال حاضر، هر کشور در تعیین نحوه اجرای حقوق کیفری بین‌المللی آزاد است. با وجود حمایت زیادی که از حرکت در این جهت توسط حقوقدانان بین‌المللی وجود دارد، با این حال دادگاه‌های کیفری داخلی، خواه دوالیسم یا مونیسیم، عموماً به دلایلی تمایلی به اعمال مستقیم مقررات حقوق کیفری بین‌المللی ندارند. نگرانی عمده آن‌ها از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها ناشی می‌شود. برای اجرای مستقیم حقوق کیفری بین‌المللی توسط دادگاه‌های داخلی لازم است که مقررات آن خود اجرا تلقی شوند یعنی برای لازم‌الاجرا شدن نیازی به طی فرایند خاصی در نظام حقوق داخلی نداشته باشند.

موضوع اجرای حقوق کیفری بین‌المللی در سطح ملی و مسأله اعمال مستقیم حقوق بین‌الملل طبیعتاً محدود به پرونده‌های صلاحیت جهانی نمی‌شود. این سؤال در مواردی

غیاب قوانین داخلی، بدون نقض اصل قانونی مندرج در مواد ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مرتکب را برای جنایات تحت مقررات بین‌المللی و اصول کلی حقوقی ملل متمدن محاکمه کنند.

رویکرد کشورها نسبت به تعقیب و مجازات مجرمین بر اساس مقررات بین‌المللی یکسان نیست. برخی از کشورها در خصوص جرایم بین‌المللی حاضر به عدول از اصل قانونی بودن نیستند. برخی از دولت‌ها در قانون اساسی یا قوانین ملی خود مقرره‌ای را قید کرده‌اند که بر اساس آن، محکومیت مجرمین بین‌المللی طبق مقررات بین‌المللی زمان ارتکاب جرم را مجاز می‌داند. برای مثال در آلبانی، بنگلادش، بوسنی و هرزگوین (ماده ۳ بند ۲ مجموعه قوانین بوسنی هرزگوین)، نیوزلند، لهستان (ماده ۴۲ بند یک قانون اساسی لهستان)، کانادا (ماده ۱۱ بند ج قانون اساسی کانادا)، رواندا، و آفریقای جنوبی این‌گونه عمل کرده‌اند. در سوئیس، دو پیشنهاد قانونی ارائه شد که بر اساس آن به‌طور استثنایی اجازه عطف به ماسبق شدن قانون کیفری سوئیس را در موارد جنایات بین‌المللی می‌داد باوجوداینکه چنین ماده‌ای با رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر سازگار بود، هر دو پیشنهاد توسط مجلس رد شد. با این وجود، تعداد فزاینده‌ای از کشورها در سال‌های اخیر چنین استثنایی را در قانون اساسی خود وارد کرده‌اند. برای مثال در سال ۲۰۰۸ در سنگال و کنیا این مورد اتفاق افتاد. برخی کشورها به‌صراحت چنین استثنایی را پیش‌بینی نمی‌کنند، اما آن را از طریق رویه قضایی خود توسعه داده‌اند. برای مثال، چنین استثنایی از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها توسط دادگاه قانون اساسی اسلونی در دهه ۱۹۹۰ و توسط دادگاه قانون اساسی مجارستان در سال ۱۹۹۳ و توسط دادگاه‌های فرانسه در دعوای باری به رسمیت شناخته شد.

با توجه به اینکه ماده ۹ قانون مجازات اسلامی با آوردن اصطلاح «مقررات بین‌المللی» تحول مهمی در رویکرد نظام حقوقی ایران نسبت به قواعد حقوق بین‌الملل عام صورت داد و اجرای مستقیم قواعد کیفری مربوط به جرایم بین‌المللی را تجویز نموده است و از طرف دیگر ماده ۱۵ کنوانسیون

مقررات بین‌المللی مجرمانه بوده، تحت تعقیب قرار گیرد، حتی اگر طبق قوانین ملی جرم نباشد. بند یک ماده ۷ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی نیز چنین مقرره‌ای دارد. بر اساس رویه قضایی، اصطلاح «حقوق بین‌الملل» شامل حقوق بین‌الملل مدون و حقوق بین‌الملل عرفی می‌گردد.

بند ۱ ماده ۱۵ کنوانسیون نشان می‌دهد که با افزودن ارجاع به حقوق بین‌الملل، نویسندگان کنوانسیون قصد داشته‌اند از فرار یک فرد از مجازات برای ارتکاب یک جنایت بین‌المللی جلوگیری کنند، در نتیجه، می‌توان ادعا کرد که بند ۱ ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حقوق مدنی و سیاسی بین‌المللی به دادگاه‌های ملی این اجازه را می‌دهد که فردی را به‌خاطر عملی که در زمان ارتکاب آن طبق قوانین ملی مجرمانه شناخته نشده است، اما طبق قوانین بین‌المللی عمل وی مجرمانه بوده، تحت تعقیب قرار دهند. زیرا دادگاه‌ها در زمان تعقیب صلاحیت رسیدگی به جرایم را دارند.

بند ۲ ماده ۱۵ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پا را از این فراتر گذاشته است و جرم بودن فعل یا ترک فعل بر طبق اصول کلی حقوقی شناخته‌شده ملل متمدن را برای تعقیب مجرم بین‌المللی کافی می‌داند در این بند مقرر گردیده است «هیچ یک از مقررات این ماده با تعقیب و محکوم کردن هر شخصی که به علت فعل یا ترک فعلی که در زمان ارتکاب بر طبق اصول کلی حقوقی شناخته‌شده در ملل متمدن مجرم بوده، منافات نخواهد داشت». بنابراین نه تنها قوانین داخلی و مقررات بین‌المللی برای تعقیب متهمین می‌توانند مستند محاکم داخلی قرار گیرند بلکه جرم بودن فعل یا ترک فعلی بر اساس اصول کلی حقوقی پذیرفته‌شده ملل متمدن نیز می‌تواند مبنایی برای آغاز تحقیقات توسط قاضی ملی گردد.

مقررات مواد فوق کماکان به‌عنوان حقی در اختیار متهم قرار دارد و مانع از مجازات وی بدون وجود قانونی قبل از ارتکاب رفتار انتسابی می‌گردد. این مقررات فقط بیان می‌کنند که اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها لطمه‌ای به محاکمه اعمال مجرمانه طبق مقررات بین‌المللی یا اصول کلی حقوقی وارد نمی‌کند. به‌عبارت‌دیگر، یک دولت عضو ممکن است در

جرمانگاری شده باشد و آئین دادرسی کیفری مربوط به این جرایم وضع شده باشد.

عطف به دو شرط مزبور مبتنی بر پیشینه قانون‌گذاری در ایران مشخص گردید که در خصوص جرم‌انگاری جرایم بین‌المللی، قانونی که واجد تعریف جرایم بین‌المللی و تعیین مجازات برای آن‌ها باشد و همچنین «قواعد کلی آیین دادرسی» از جمله تأسیس و صلاحیت ارگان‌های قضایی را در برگیرد وضع نگردیده است.

بنابراین برای برون‌رفت از این وضعیت لازم است یا قانون‌گذار قانون شکلی و ماهوی متضمن تمامی شرایط و ابعاد مربوط به ماهیت و برون‌سرزمینی بودن جنایات بین‌المللی را وضع نماید یا اینکه محاکم با استمداد از منابع و اصول کلی حاکم بر نظام کیفری بین‌المللی و بهره‌گیری از تحول برآمده از مفاد ماده ۹ قانون مجازات اسلامی راجع به استناد به مقررات بین‌المللی به‌طور مستقیم مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به تعیین مجازات جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی، نسل‌کشی را در ایران اجرا نمایند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که دولت ایران در سال ۱۳۵۴ آن را در مجلس شورای ملی وقت تصویب و التزام کشور ایران نسبت به آن را پذیرفته است، اصل حاکمیت قانون و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها را در خصوص جرایم مزبور صرفاً ناظر به مقررات داخلی ندانسته و محکومیت مجرمین مزبور بر اساس مقررات بین‌المللی را اجازه داده است.

دیگر آنکه امروزه بسیاری از حقوقدانان و کشورها معتقدند جرایم بین‌المللی نظیر نسل‌کشی و جرایم جنگی از تعهدات عام‌الشمول محسوب می‌شوند ضرورت احترام، رعایت و اجرای موازین حقوق بشری و جهان‌شمول بودن آن‌ها ایجاب می‌نماید که صلاحیت قضایی و اجرایی نسبت به این موضوعات با توجه به ماهیت این موازین بر پایه عدالت فراگیر پایه‌گذاری شود. بنابراین با آوردن عبارت مقررات بین‌المللی در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی قضات ایرانی می‌توانند نسبت به تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبین این جرایم اقدام نمایند.

نتیجه‌گیری

صلاحیت جهانی عبارت است از صلاحیت تجویزی در مورد جرایم ارتكابی در خارج از کشور توسط اشخاصی که در زمان ارتكاب عمل غیرقانونی مقیم و شهروند دولت درخواست‌کننده نبوده و اعمال آن‌ها تهدیدی برای دولت اعمال‌کننده این نوع صلاحیت نیست این اصل نسبت به جرایم بین‌المللی متعددی اعمال می‌شود که تهدیدی علیه ارزش‌ها یا منافع مشترک جامعه بین‌المللی تلقی می‌شوند نادیده گرفتن اصل صلاحیت جهانی منتهی به نفی عدالت در مورد جنایتکارترین مجرمین می‌شود.

بررسی سوابق قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران در مورد صلاحیت جهانی بیانگر آن است که در نظام حقوقی ایران صلاحیت جهانی محاکم ایران پذیرفته شده است. آخرین اراده قانون‌گذار در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی تبلور یافته است. در ماده مزبور ۵ شرط مقدماتی و اجرایی برای اعمال صلاحیت جهانی در نظر گرفته شده است که از جمله شروط آن، این است که در قوانین ایران رفتار مرتکبین

- Cassese, A (2001). *International Law*. Oxford: Oxford University Press.

- Cassese, A (2011) *International Criminal Law: Cases and Commentary*. Oxford: Oxford University Press.

- Ferdinandusse, W (2006). *Direct Application of International Criminal Law in National Courts*. The Hague: T.M.C. Asser Press.

- Gallant, K (2009). *The Principle of Legality in International and Comparative Law Criminal Law*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Hall, S. (2006). *International Law*. LexisNexis Butterworths.

- O'Keefe, R (2004). "Universal Jurisdiction: Clarifying the Basic Concept". *Journal of International Criminal Justice*, 2: 735-760.

- Reydam, L (2003). *Universal Jurisdiction: International and Municipal Legal Perspectives*. New York: Oxford University Press.

- Sunga, L (2001). *Individual Responsibility in International Law for Serious Human Rights Violations*. Nijhof

- Thalmann, V (2017). *Reasonable and effective universality: conditions to the exercise by national courts of universal jurisdiction over international crimes*. Thèse de doctorat: Univ. Genève.

- Uche Nnawulezi, S (2022). "Evolving Roles of the International Institutions in the Implementation Mechanisms of the Rules of International Humanitarian Law". *Kutafin Law Review*, 9(4): 701-723.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۹). «ماده ۸ قانون مجازات اسلامی و اصل صلاحیت جهانی». نشریه تحقیقات حقوقی، ۵۱: ۵۳-۸۶.

- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۷). درآمدمی بر حقوق جزای عمومی- جرم و مجرم. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

- سلیمی، صادق (۱۴۰۰). «جرایم علیه اجرای عدالت در آرای دیوان بین‌المللی کیفری». فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی پلیس، ۴۵: ۱۰-۳۳.

- شاملو، سوده (۱۳۹۷). اجرا و تفسیر قواعد بین‌المللی در محاکم ملی. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.

- عیسائیان جبار (۱۴۰۱). نقش آراء دادگاه‌های ملی و منطقه‌ای در تکوین و توسعه هنجارهای بین‌المللی حقوق بشری با تأکید بر آراء دادگاه‌های ایران و دادگاه اروپایی حقوق بشر. رساله دوره دکتری با راهنمایی دکتر صادق سلیمی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- فضائلی مصطفی و ستایش‌پور، محمد (۱۴۰۱). «اساس جانشینی دولت‌ها در زمینه تعهدات ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۲(۳): ۱۴۷۳-۱۴۸۸.

ب. منابع انگلیسی

- Arrest Warrant Case. Democratic Republic of the Congo v. Belgium). (2000). Retrieved from: <http://www.icj-cij.org/docket/index.php?sum=591&p1=3&p2=3&case=121&p3=5>.